

بسم الله الرحمن الرحيم

سبک و سیره سیاسی حضرت زینب (ع) (با تاکید بر موضوع ولایتمداری)

نرجس عبدیائی^۱

چکیده

شیعه در نظام امامت برخلاف نظام خلافت اهل تسنن به ولایتمداری شناخته می شود. نمونه و الگوی شیعه، حضرت زینب (س) مقارن با حیات ۷ تن از معصومین بزرگوار زندگی سرنوشت سازی را الگو سازی نمود. ایشان در تمام مدت رهبری پیامبر و ائمه در عصر خود ابعاد برجسته ایی سبک و سیره ولایتمداری را به نمایش گذاشتند. حیات فردی انسان ولایتمدار و تلاش برای تعالی آن، هیچ گاه از نقش آفرینی اجتماعی آن مجزا نمی باشد. زینب (س) نیز به پیروی از امام شاخصه های برجسته ایی را به عنوان الگویی از آموزه های ولایت در سلوک فردی، ارائه دادند. عبودیت الهی، ساده زیستی، اخلاق کریمانه، علم، تقوا، نشر معارف حقه اسلام و ... از جلوه های شخصیتی ایشان در تبعیت از سبک و منش رهبری بوده و منجر به خشنودی امامش می شد. ایشان در عرصه اجتماعی نیز کاملترین نقش آفرینی ها را در ارتباط با ولی زمانش به سر انجام رساند. برجسته ترین تعاملات ایشان با ولایت، مربوط به عصر امام حسین (ع) می باشد. اعتقاد و عشق به ولایت، اطاعت بی چون و چرا از فرامین امام، حمایت ولی از طریق کلام و یاری رساندن به او در عرصه های مختلف عملی، ایستادگی بر حفظ مواضع ولی تا آخرین نفس، شناساندن امام و دشمنان او به مردم و خواص، تلاش در اجرای وصایای رهبر و اهتمام بر ابقای ولایت بعد از به شهادت رسیدن امام، استقامت و سربلندی در آزمونهای الهی و ابتلائات راه ولایت، از جمله ارکان سیره سیاسی این بانو در موضوع ولایتمداری می باشد.

^۱ دانشجوی دکترای علوم سیاسی، محقق و مدرس حوزه و دانشگاه شماره تماس: ۰۹۱۲۷۴۹۷۰۱۱

کلیدواژه ها: نظام امامت، نظام خلافت، شیعه، حضرت زینب، ولایت‌مداری، امام حسین، عاشورا

مقدمه

پژوهش حاضر به منظور بررسی مفهوم و ابعاد ولایت‌مداری حضرت زینب (س) به نگارش در آمده است. این مجموعه در صدد است تا به ویژگی های سلوک فردی و اجتماعی این بانوی اهل بیت در تعامل با رهبر زمانش یا به تعبیری نوع و میزان ولایت‌مداری ایشان بپردازد.

سوال مد نظر، عبارت است: شیوه های ولایت‌مداری حضرت زینب (س) در دوران ولایت امام حسین (ع)، چگونه است؟ در پاسخ به این سوال فرض شد که، اعتقاد قلبی به ولایت و اعمال آموزه های ولی در سلوک فردی و اعتقاد قلبی، اطاعت و حمایت قولی و عملی از ولایت در عرصه حیات اجتماعی، از شیوه های ولایت‌مداری حضرت زینب (س) می باشد.

پژوهش حاضر با این عنوان پیشینه ای ندارد. البته در سیره حضرت زینب به شکل مقاله و کتاب مطالعات پژوهشی انجام شده است. نمونه آن کتاب آقای قزوینی با عنوان زینب از ولادت تا شهادت است. این کتاب ارزشمند حاصل تحقیقات ایشان در سالهای آخر عمر و در دوران کسالت می باشد. شاید پژوهش هایی با عنوان مقاله حاضر بتواند مقدمه ای برای ارائه طرح های منسجم و کارآمدی در زمینه نوع تعامل شیعه با ولایت فقیه در دوران غیبت باشد. کارایی این گونه تلاشها در سطح ملی و بین المللی قابل بررسی است. زیرا محدوده ولایت امام و رهبری در حوزه ملی و فرا ملی بوده و این سعی، به منظور تسکین احساس نیاز در هر دو قلمرو می باشد.

الف) چارچوب تحلیلی: ولایت‌مداری در نظام امامت

نظام امامت نظریه‌ای مرتبط با سیاست اسلامی می باشد. این تئوری در آرای عقیدتی- سیاسی جهان تشیع جایگاه ویژه‌ای دارد. در مقابل آن نظام خلافت در اهل تسنن است که، رهبر را معصوم و منصوب الهی نمی داند.

۱) شیعه در نظام امامت

شیعه در لغت به معنای پیروان است و در اصطلاح افرادی می باشند که به خلافت بلا فصل حضرت علی بن ابی طالب (ع) معتقدند. نخستین بار، پیامبر اسلام (ص) پس از نزول آیه ۷ سوره بینه، پیروان علی (ع) را شیعه خواند و فرمود: «تو و شیعیانت، روز قیامت رستگار خواهید بود.»^۱ شیعیان امامیه معتقدند که پیامبر (ص) به صراحت، علی (ع) و یازده فرزند او را خلفای خویش خوانده است.

^۱ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چ ۴۰، ۱۳۸۷، ص ۲۳۴

واژه نظام در آموزه های نهج البلاغه نوعی پیوند دهنگی و محوریت را معنا می دهد. " نخى كه آنرا جمع مى كند و نظم خاصى به آن مى دهد." ۱ پس رهبر نیز " رشته‌ایی است كه دانه های پراكنده يك جامعه را تحت نظام ویژه‌ایی در مى آورد و آنها را به هم پیوند مى دهد. وقتی این نخ پاره شود دانه ها پراكنده مى شوند و هریك به سویی مى روند و پس از آن هیچ گاه به صورت اول فراهم نمی گردند." ۲ زیرا امام " منصب و مقامی است كه خداوند به افرادی از خواص بندگان شایسته خود كه انسان ما فوقند عطا مى كند." ۳

پیروی از معصوم در نظام امامت شاخه اساسی و نماد شیعه می باشد. این منظومه فکری در مواجهه با اهل تسنن و نظام آنها تفاوت‌های اساسی دارد. " خلافت اسلامی و مرجعیت دینی دو تفاوت اصلی این دو مکتب است. زیرا از نظر شیعه امامت از هر جهت در حکومت اسلامی، بیان معارف و احکام اسلام و رهبری و ارشاد حیات معنوی، ضرورت دارد. " ۴ بر اساس تفاوت میان دو نظام امامت و خلافت، تعامل شیعه و سنی با رهبران‌شان تبیین می شود.

شیعه در نظام امامت وظایف و مسئولیتهایی دارد. ولایت مداری، خط مشی و وظیفه اصلی اوست. دیگر نشانه های تشیع زیر مجموعه این مسئولیت باشد. "امامت سر رشته دین، مایه نظام مسلمانان، مصلحت حیات دنیوی و عزت مومنان، بنیاد استوار و فرع نمایان اسلام است. به واسطه امام نماز، زکات، روزه و حج تمامیت یافته و همه نیازمندان و مستحقان از سرمایه های عمومی بهره‌مند می گردند. حدود و احکام الهی اجرا می شود و مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی از تجاوزات دشمنان حفظ می گردد. امام حلال خداوند را حلال و حرام خداوند را حرام شمارد. و حدود الهی را بر پا می دارد و از دین خداوند دفاع می کند و با حکمت و موعظه پسندیده و حجت گویا و نیکو مردم را به آیین خدا دعوت می کند." ۵

۲) ارکان ولایتمداری در نظام امامت

حیات الهی یکی از مهمترین نشانه های شخصیتی شیعه در تعامل با امام است. زیرا رهبری در نظام امامت بر اساس هدایت انسانها به سوی کمال و حیات طیبه شکل گرفته است. از جمله مظاهر زندگی الهی تحت مدار ولایت معصوم، عبودیت خداوند و سعی در رسیدن به آن مقام است. عبادت نیز سطحی نیست بلکه همراه و هموار با شناخت امام و ولایت است. در طول تاریخ مسلمانانی بودند که بدون شناخت رهبر و ولایت به بیراهه

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، بیروت: دار الاحیاء التراث الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۸۶، ص ۹۶

عبارت امام علی (ع) این است: مكان القيم من الامر مكان النظام من الخرز یجمعه... خطبه ۱۴۶

۲- ابن ابی الحدید، همان.

۳- لطف الله، صافی گلپایگانی، نظام امامت و رهبری، موسسه الامام مهدی، ج ۲، ۱۳۶۱، ص ۱۳

۴- طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، به کوشش هادی خسرو شاهی، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۵۰ و ۱۵۲

۵- کلینی رازی، ای جعفر محمد، الاصول الکافی، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۸۸ هـ.ق، ص ۲۰۰

رفتند. "اسلام بر پنج پایه استوار است. نماز و روزه و حج و ولایت... ولایت برترین پایه است زیرا ولایت در میان ارکان دین نقش کلیدی دارد و امام راهنمای دین است. اگر کسی تمامی شبها به نماز ایستد و همه روزها را روزه دارد، و همه اموالش را صدقه بدهد و هر سال حج خانه خدا کند. اما ولایت ولی خدا را شناسد تا آن را بپذیرد و همه کارهایش را با راهنمایی او انجام دهد، از طرف خدا هیچ ثوابی ندارد و اهل ایمان نیست."^۱

شناخت امام جزء مهمترین ارکان ولایتمداری شیعه در تعامل با رهبر می باشد. پیامبر اکرم(ص) در ضرورت آن فرمودند: "من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه"^۲. شناخت مطلوب موقعیت او و چگونگی استفاده و استفاضه از تعالیم و توجهات خاص وی در جهت کمالات انسانی (نه صرف نام و نشان و شرح حال) را شامل می شود.

حب امام از دیگر شاخصه های ولایتمداری در نظام تشیع است. لزوم محبت و دوستی اهل بیت عصمت مورد استناد اهل سنت و تشیع است. " قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربى "^۳ پیامبر در اینباره فرمودند: "خداوند انبیاء را از درختان مختلفی آفرید ولی من و علی را از درخت واحدی، من اصل آنم و علی شاخه آن ، فاطمه موجب باروری آن است و حسن و حسین از میوه های آن و شیعیان ما از برگ های آنند... سپس فرمود: اگر کسی خدا را در میان صفا و مروه هزار سال و سپس هزار سال و از آن پس هزار سال عبادت کند تا همچون مشک کهنه شود اما محبت ما را نداشته باشد، خداوند او را به صورت در آتش افکند سپس این آیه (شوری ۲۳) را تلاوت نمود. "^۴ و نیز فرمودند: "هرکس بر دوستی آل محمد از دنیا رفت شهید است."^۵ علاقه علاقه و محبت به رهبری بی ارتباط با شناخت وی نیست. محبت محب را به سوی مشابَهت به محبوب سوق می دهد و باعث می شود که محب به شکل محبوب درآید.

حب حقیقی به ولایت در طول محبت بی انتها به خداوند متعال می باشد. شیعه و مومن حقیقی بالاترین محبت را نسبت به خداوند دارد. "والذین آمنوا اشد حبا لله"^۶ و علاقه اش به هر چیز و هرکس نیز شعاعی از محبت به خالق آنهاست. محبت به اهل ایمان و پیامبر و ائمه از رهبران جهان تشیع نیز از آن جهت است که ایشان محبوبین درگاه الهی هستند. محب از همه چیز خود می گذرد و هر چه دارد در راه محبوب فدا می کند تا از توجهات و لطف او برخوردار گردد. " در روز عاشورا مردی از یاران امام حسین(ع) در وقت نماز در ظهر

^۱ - مجلسی ، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۶۵، تهران ، نشر کتابخانه الاسلامیه، ۱۳۸۵ق، ص ۳۳۲

^۲ - کلینی رازی، ای جعفر محمد، الاصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۸۸ هـ، ص ۳۷۶

- شوری، ۲۳^۳

^۴ - مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ، ج ۲۰، تهران ، دار الکتب الاسلامیه، ج ۳۰، ۱۳۸۷، ص ۴۳۶

^۵ - عوالم اعارف، نقل از سید منذر حکیم و دیگران، پیشوایان هدایت، ترجمه عباس جلالی، ج ۳، قم، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲

- بقره- ۱۶۵^۶

عاشورا خود را سپر آن حضرت ساخته بود. آنقدر تیر به بدنش اصابت کرد که بی رمق بر روی زمین افتاد. لحظات آخر عمرش ابا عبدالله خود را به بالین وی رسانید. وی در آن آخرین لحظات چشم باز کرد و با صدایی نحیف گفت: اوفیتُ یا ابا عبدالله آیا توانستم وفا کنم؟^۱

اطاعت و پیروی بی درنگ از دیگر موازین ولایتمداری در نظام تشیع است. لازمه حب خداوند و حب پیامبر و ائمه (س) پیروی محض از دستورات آنهاست. "قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم"^۲ پس ادای محبت ولی، زمانی منطبق بر حقیقت است که مدعی در راه انجام فرامین وی و یا به عبارت دیگر وظایف و تکالیف دین خدا، سعی بلیغ نماید. "بهترین راه شناخت امام همان منهج صدیقان ولایتمدار است که بر محور فرمایش علوی و بر اساس شناخت امام با حقیقت امامت و معنای ولایت می باشد، طی این مسیر چنان است که حقجوی ژرف اندیش، کمالات علمی و عملی معروف عدل و احسان را در انسان کامل متبلور می بیند. به گونه ایی که هرچه در سنت و سیره و سریره چنین انسانی تأمل کند، چیزی بجز جمال الهی ... نمی بیند."^۳

اطاعت از امر ولایت تنها به شعار یا سخن نیست، بلکه مراحل دارد. (۱) تسلیم تن، که به معنای تسلیم تمام اعضای بدن در برابر فرمانهای محبوب و اطاعت از آن است. (۲) تسلیم عقل، یعنی تسلیم قوای عقلانی در برابر دلایل و براهینی که عقل به آن مهر سکوت می زند. (۳) تسلیم دل، هر آنچه محبوب می خواهد از سر رضا و خشنودی دل (نه با کراهت و تردید) انجام می دهد.^۴ سرچشمه اوامر ولی موازین الهی می باشد. ولایت اجرای قوانین خداوندی را از شیعیانش می خواهد و خود غرق در معرفت، محبت و اطاعت پروردگارش است. "اکنون ای پروردگار متعال با مسکنت و با ذلت به سوی تو روی آورده ام و سر طاعت به درگاه تو برخاک نهاده ام. فرمان تو را به جان پذیرم و مهر تو را در دل بگیرم."^۵

تولی و تبری از دیگر شاخصه های ولایتمداری در جهان تشیع می باشد. هر شخصیتی هم سنخ خود را جذب می کند و غیر آن را از خود دور می سازد. تولی به معنای دوست داشتن هر آن کس که در خط ولایت است و دل سپردن به محبت دوستان و یاران امام می باشد. تبری یعنی دوری جستن از کسانی که در خلاف

^۱ - موسوی مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نشر نوید اسلام، چ ۲، ۱۳۸۶، ص ۲۰۹ این فرد سعید بن عبد الله حنفی بود که تا آخرین نفس برای یاری رهبرش جانفشانی نمود. امام در پاسخ به وی فرمودند: نعم انت امامی فی الجنه، بله تو پیش از من در بهشت خواهی بود. (همان) این نشانگر رابطه دو طرفه ولی و مولی علیه در محبت و قدر شناسی می باشد.

^۲ - آل عمران/ ۳۱

^۳ - جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷، ص ۴۳

^۴ - کریمی، مرزبان، شیعه، عقاید، وظایف و فرقه ها، شهرکرد، نشر صدره المنتهی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷

^۵ - امام سجاده (ع)، صحیفه سجادیه، ترجمه: جواد فاضل، انتشارات امیرکبیر، چ ۷، تهران، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶ ش)، ص ۲۸۹، دعای ۳۱

شدت گرفت، تا جایی که زینب به گریه افتاد و در برابر تقاضای جسورانه مرد شامی ناله برداشت: "به خدا دروغ می گویی و برای همیشه مورد سرزنش خود و تبار خویش خواهی بود، چنان نیست که پنداشته ایی نه تو می توانی به این مقصود نائل شوی و نه یزید می تواند به این آرزو برسد"^۱

بعد از آتش زدن خیمه ها در راستای اطاعت امر ولایت، حضرت زینب به قصد جمع آوری زنان و کودکان در بیابانها به دنبال افراد غایب می گشت. در یکی از این موارد این بانو با پیکر بی جان دو کودک همراه کاروان مواجه می شود. "حضرت زینب چون شروع به جمع کردن زنان و کودکان کرد، دو کودک را در میان آنها نیافت. لذا به دنبال آنان رفت و شروع به جستجو در بیابان نمود و آنان را در حالی یافت که دست در گردن هم نهاده و به خواب رفته بودند. اما وقتی که آنها را به حرکت داد تا بیدار شوند دید که هر دو از شدت ترس و تشنگی جان باخته اند."^۲

فرمان سیاه پوش کردن محمل ها بعد از شهادت امام حسین (ع)، توسط این بانو از دیگر شیوه های حمایت از مواضع ولی زمانش بود. در حالیکه کاروان اسرا از شهری به شهر دیگر چرخانده می شد، بعد از بازگشت از شام نعمان بن بشیر دستور داد که بر شتر محمل ها زنگار ببندند. اما زینب با دیدن این صحنه اعتراض نمود. "اجعلو سوداء حتی يعلم الناس انا فی مصیبه و عزاء لقتل اولاد زهرا: محمل ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند ما در مصیبت و عزاداری فرزندان فاطمه زهرا بسر می بریم."^۳

همچنین این بانو در دوران اسارت نیز توانست برای معرفی ولایت و جنایات دشمنان او مجلس عزاداری بپا نماید. وی برای یزید پیغام فرستاد که اجازه دهد تا برای حضرت امام حسین مجلس عزا برپاکنند. یزید اجازه داد و آنها را در دارالحجاره اسکان داد و آنان هفت روز در آن مجلس عزا بر پا نمودند. همه روزه جمعیت بی شماری از زنان در آن مجلس گرد می آمدند. کار به جایی رسید که مردم تصمیم گرفتند به خانه یزید حمله کرده و او را به قتل برسانند. مروان از این امر با خبر شده و به یزید گفت: ماندن اهل بیت در شام به صلاح تو نیست،

^۱ - شیخ مفید، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی مازندرانی، تهران، کتابفروشی الاسلامیه، ۱۳۷۶ش، ص ۴۷۹ آورده اند که زینب (س) در همان حالی که جملات نفرین را بر زبان داشت. دستهای مرد شامی خشک شد. مرد شامی نقش زمین شد و جان خود را از دست داد. آنگاه زینب حمد الهی را به جای آورد و گفت: خدای را سپاس که مجازات نقد تو را در دنیا قبل از عقوبت تو در آخرت چشاندید. (اعلام النساء المومنات، ص ۳۹۱ و ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۱۶۹)

^۲ - شاه عبدالعظیمی، محمد علی، الايقاد، قم، نشر فیروز آبادی، ۱۴۱۱ه.ق، ص ۱۳۹ نقل است که این دو کودک فرزندان عبدالرحمن ابن عقیل بودند. سعد و عقیل از شدت تشنگی و وحشت و اضطراب ناشی از هجوم دشمنان امام به خیمه ها جان دادند. حائری محمد مهدی، معالی السیطین، ج ۲، بیروت، نشر نعمانی، ۱۴۱۲ه.ق، فصل ۱۲، مجلس ۱۴

^۳ - ریاحین الشریعه، پیشین، ج ۳، ص ۱۹۷

حجاز را آماده کن و آنان را به حجاز بر گردان. یزید نیز مقدمات سفر آنها را فراهم نمود و آنها را به مدینه فرستاد.^۱

ه) تلاش در تداوم مسیر ولایت

زینب (س) همچنین در راستای اطاعت از فرامین و خواسته های مولایش امام حسین (ع) نهایت سعی خود را برای حفظ ولی بعد از ایشان و استمرار راه ولایت توسط امام سجاد (ع) نمودند. در شب عاشورا که خیمه ها را آتش زدند و هرکس به جایی پراکنده شده بود، این زینب بود که از ولی زمانش بعد از شهادت حسین (ع) غافل نبود و برای حفظ جان او می کوشید. در آن هنگامه "بانوی مجلله ایی را دیدم که بر در خیمه ایستاده بود، خیمه ایی که اطراف آن آتش گرفته بود و شعله ها از آن زبانه می کشید، این زن گاه به چپ و راست و گاه به آسمان و زمین نگاه می کرد و دست بر پشت دست می زد. گاه نیز به داخل خیمه می رفت و بیرون می آمد. من به سرعت نزد او رفتم و گفتم ای زن چرا در کنار این خیمه آتش گرفته ایستاده ایی و آتش در اطراف تو زبانه می کشد؟ در حالیکه همه این زنان فرار کرده و پناهنده شدند. چرا تو به آنها ملحق نمی شوی و اینجا چه کار داری؟ آن زن گریست و گفت: ای شیخ ما در این خیمه بیماری داریم که توان نشستن و یا برخاستن ندارد. من چگونه او را در میان شعله های آتش تنها بگذارم؟"^۲

از طرفی در هنگام آتش زدن خیمه ها زینب به ولی زمانش رجوع کرده و کسب تکلیف می نماید. "ای بازمانده گذشتگان و فریادرس بازماندگان آتش در خیمه هایمان انداخته اند، چه دستور می دهی؟ ولایت در آن اوضاع دردناک فرمان می دهند که: "علیکن بالفرار: فرار کنید"^۳. زنان و کودکان اطاعت نموده و از اطراف خیمه ها پراکنده می شوند.

وقتی که ابن زیاد در برابر منطق قوی و ولایتمدارانه امام سجاد (ع) تاب نیاورد، دستور قتل امام را داد. زینب اینبار هم خود را پیش مرگ ولی زمانش کرد. "ای ابن زیاد از ما دست بردار مگر از خونهای ما سیر نشده ایی؟ مگر کسی از ما به جای نهاده ایی؟ تو را به خدا اگر ایمان داری، اگر او را می کشی مرا هم با او بکش"^۴ با این دفاع قاطعانه یزید از به شهادت رساندن امام چهارم شیعیان منصرف شد. از طرفی در نقلی دیگر آمده است که

^۱ - صادقی اردستانی، پیشین، ص ۳۳۶

^۲ - معالی سبطین، پیشین، فصل ثانی عشر، مجلس ثالث، ص ۸۸

^۳ - قزوینی، ص ۱۷۶

^۴ - تاریخ طبری، پیشین، ص ۳۰۶۹، ابن زیاد که از جانبازی زینب در راه ولایت به قطعیت رسیده بود در پاسخ گفت: "شگفتا از خویشاوندی، به خدا می دانم که خوش دارد - زینب- که اگر پسر را می کشم او را نیز با وی بکشم، پسر را واگذارید..." (همان) او تلاش در ابقای امامت را به تلاش بر همدردی خویشاوندی تعبیر کرد شاید اندکی از زشتی جرمش به خیال واهی کاسته شود. اما حقیقت این است که زینب بر شهادت نزدیکترین کسانش یعنی دو فرزند جوانش صبر نمود و نوحه گری نکرد.

وقتی خیمه ها را غارت کردند دشمنان قصد کشتن بازمانده نظام ولایت را داشتند که حضرت زینب (س) مانع این جنایت شدند. حمید بن مسلم می گوید: "در آن هنگام به نزد علی بن حسین رفتم که بیمار و در بستر افتاده بود. ناگهان شمر بن ذی الجوشن با تنی چند از پیاده نظام نزدیک شدند. آنها به او می گفتند: آیا این بیمار را نمی کشی؟ آن ملعون تصمیم گرفت تا حضرت را به قتل برساند، من گفتم: سبحان الله آیا نوجوانان را می کشید او خیلی کم سن و سال است. آن ملعون توجه نکرد و شمشیر خود را بیرون کشید تا او را بکشد، زینب خود را بر روی برادر زاده اش انداخت و گفت: به خدا قسم تا من زنده ام او کشته نخواهد شد."^۱

زینب در طول سفر اسارت نیز مراقب رهبرش و نگران احوال او بود. بعد از سخنرانی کوبنده زینب کبری در شام و در برابر یزید، وی دستور داد اسرا را از مجلس خارج نمود و در ویرانه ایی بازداشت نمایند. اسرای اهل بیت در این خرابه سقف شکافته بازداشت شده و در عزای عزیزان خود به سوگ نشستند و سه شبانه روز عزاداری نمودند. روزی امام سجاد برای انجام کاری از زندان بیرون آمد. در همین حال منهل بن عمرو خدمت حضرت رسید و سوال کرد: کیف امسیت یابن الرسول؟ حضرت فرمودند: امسینا کمثل بنی اسرائیل فی آل فرعون، یذبحون ابنائهم و یستحیون نسائهم... منهل می گوید در همان حالی که با امام سجاد صحبت می کردم دیدم زنی بیرون آمد و صدایش را بلند کرد: الی این یا نعم الخلف؟ کجا می روی ای بهتری جانشین برادر؟ و امام سجاد با شنیدن این سخن بی درنگ مرا رها کرد و به سوی او رفت. پرسیدم این زن کیست؟ گفت: عمه اش زینب کبری است."^۲

همچنین در هنگام حضور امام حسین (ع) نیز، این بانو گرامی مراقب جان خلف صالح حسین یعنی امام سجاد بودند. نقل ماجرا را از عزیزترین بازمانده نظام ولایت در آن وقایع نقل می کنیم: "در شب عاشورای سال ۶۱ من مریض بودم و در خیمه خود قرار داشتم و عمه ام زینب به پرستاری ام مشغول بود، پدرم حسین نیز با اندکی فاصله در خیمه بود در حالیکه چون غلام ابوذر غفاری از او محافظت می نمود..."^۳

نتیجه گیری

در پاسخ به این سوال که شیوه ولایتمداری حضرت زینب (س) در دوران ولایت امام حسین (ع) چگونه بود؟ فرض شد که اعتقاد قلبی به ولایت و اعمال آموزه های وی در سلوک فردی و اعتقاد قلبی، اطاعت و حمایت قولی و عملی از ولایت در عرصه حیات اجتماعی، از شیوه های ولایت مداری حضرت زینب (س) می باشد.

^۱ - ش قزوینی، ص ۱۷۵ و ۱۷۶

^۲ - مقتل مقرر، ترجمه عقیقی، صص ۳۸۲ و ۳۸۳

- مقتل سید الشهداء، مفید، ص ۱۶۰، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۳ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۱۶

تعامل شیعه با ولی و رهبرش - که بر خلاف نظام خلافت منصوب الهی و دارای مقام علم لدنی و عصمت است - دارای شاخصه هایی است. شناختن و شناساندن ولی و اعتقاد به امام، حب ولی، تسلیم بی درنگ، تبری از دشمنان وی، استقامت و سربلندی در آزمونهای مسیر پیروی ولایت، از جمله ارکان ولایتمداری در نظام تشیع می باشد.

حضرت زینب در درجه اول حیات فردی خود را مطابق با آموز های ولایت تنظیم کرد. این بانوی محدثه و عالمه غیر معلمه دارای اوصاف برجسته ایی از عبودیت، ایثار و اخلاق کریمانه است که امام زمانشاز آن خشنود و کسب آنرا به شیعیان توصیه نمود. تا آنجا که زینب در مواقع حساس به عنوان نائب امام حسین (ع) نقش آفرینی می کرد. در حیات اجتماعی نیز ایشان با اعتقاد قلبی و عشق به ولی زمانش، به اطاعت و حمایت همه جانبه از امام پرداخت. زینب در این راه نه از کثرت دشمنان هراسی و نه از تنهایی خود بیمی داشت. او تا پای جان در راه ولایت و حفظ و نشر آموزه ها و مواضع امام استقامت نمود و آزمونهای الهی این راه را با سربلندی سپری کرد. اگر امر ولی نبود این بانوی اسلام در بالین رهبرش و پیش از وی به شهادت می رسید. اما به فرمان حسین (ع) او باید می ماند تا از خاندان امامت حمایت و بقای نسل ولایت را اهتمام ورزد. بعد از شهادت مظلومانه رهبری، این بانو در مواقف متعددی برای نشر، شناساندن و دفاع از مواضع حضرت کوشید. در اجرای وصایای امامش سعی بلیغ نموده و در حفظ جان و نشر آموزه های جانشین خلف او، یعنی امام سجاد (ع)، باز هم تا پای جان ایستادگی نمود.

منابع

- ۱- قران مجید
- ۲- امام علی، نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، ۱۳۸۰، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶
- ۳- امام سجاد (ع)، صحیفه سجاده، ترجمه: جواد فاضل، انتشارات امیرکبیر، چ ۷، تهران، ۱۳۵۶ (ش).
- ۴- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، بیروت: دار الاحیاء التراث الاسلامیه، چ ۳، ۱۳۸۶، ص ۹۶
- ۵- ابی یعقوب، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه، محمد ابراهیم آیتی ج ۲، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۲، ۱۳۵۶ (ش).
- ۶- اصفهانی، ابی الفرج، مقاتل الطالبین، نجف، نشر حیدریه، چ ۳، ۱۳۸۵ ه ق.
- ۷- جواد آملی، عبدالله، امام مهدی موجود موعود، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷،
- ۸- سید منذر حکیم و دیگران، پیشوایان هدایت، ترجمه عباس جلالی، چ ۳، قم، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۵.

- ۹- شاه عبدالعظیمی، محمد علی، الایقاد، قم، نشر فیروز آبادی، ۱۴۱۱ ه.ق.
- ۱۰- صافی گلپایگانی، لطف الله، نظام امامت و رهبری، موسسه الامام مهدی، چ ۲، ۱۳۶۱
- ۱۱- صادقی اردستانی، احمد، زینب قهرمان دختر علی، تهران، نشر مطهر، چ ۲، ۱۳۷۴.
- ۱۲- شیخ طوسی، الغیبه، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، چ ۲، ۱۴۱۷ ه.ق.
- ۱۳- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۷، ت: ابوالقاسم پاینده، نظراساطیر، چ ۲، ۱۳۶۲.
- ۱۴- طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، به کوشش هادی خسرو شاهی، موسسه بوستان کتاب، چ ۳، ۱۳۸۷.
- ۱۵- کلینی رازی، ای جعفر محمد، الاصول الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳، ۱۳۸۸ ه.ق.
- ۱۶- کریمی، مرزبان، شیعه، عقاید، وظایف و فرقه ها، شهرکرد، نشر صدره المنتهی، ۱۳۸۸.
- ۱۷- کحاله، عمر رضا، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، ج ۲، مطبعه الهاشمیه، دمشق، بی تا.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۷، تهران، نشر کتابخانه الاسلامیه، ۱۳۸۵ ق.
- ۱۹- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- ۲۰- موسوی مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، قم، نشر نوید اسلام، چ ۳، ۱۳۸۷.
- ۲۱- موسوی مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نشر نوید اسلام، چ ۲، ۱۳۸۶.
- ۲۲- شیخ مفید، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی مازندرانی، تهران، کتابفروشی الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
- ۲۳- مفید، مقتل سید الشهداء (ترجمه بخش امام حسین از کتاب الارشاد)، ت: صادق برزگر بفرویی، قم، نشر امین الله، ۱۳۸۸، ۱۳۸۸.
- ۲۴- قزوینی، سید محمد کاظم، زینب کبری از ولادت تا شهادت، ترجمه کاشم حاتمی طبری، قم، نشر پیام مقدس، چ ۲، ۱۳۸۶.
- ۲۵- ابن طاووس، علی، لهوف، ترجمه عباس عزیزی، قم، نشر صلاه، چ ۵، ۱۳۸۳.
- ۲۶- قمی، عباس، نفس المهموم، ترجمه ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی الاسلامیه، ۱۳۷۳ ق.
- ۲۷- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۳۰، ۱۳۸۷.
- ۲۸- مازندرانی، حائری، محمد مهدی، معالی سبطین، ج ۲، تبریز، کتابفروشی قرشی، بی تا، ص ۱۴.
- ۲۹- موسوی زنجانی، سید ابراهیم، وسیله الدارین فی انصار الحسین، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۴۰۲ ه.ق.